

ژئوپلیتیک انرژی ایران و رویکرد اتحادیه اروپا



سیدشمس‌الدین صادقی*

چکیده

از آنجا که روند رو به افزایش وابستگی به واردات نفت و گاز، وجه اشتراک تمامی اعضای اتحادیه اروپا است، امنیت عرضه انرژی از مباحث محوری این اتحادیه تلقی شده؛ چراکه در صورت اطمینان از سلامت و کارایی وضعیت بازار انرژی است که این کشورها قادر خواهند بود تا همچنان رشد شتابان مصرف انرژی را تداوم بخشند. با توجه به این مطلب که روند رو به افزایش مصرف انرژی با تأکید بر گاز، پرسش‌های فراوانی را در خصوص وضعیت آینده امنیت انرژی، برای اعضای این اتحادیه فراهم آورده است، این پژوهش تلاش می‌کند تا ابتدا بر روند رو به تزاید تقاضای مصرف گاز و خطرات ناشی از وابستگی اعضای این اتحادیه به شرکت گازپروم روسیه و تکرار تجربه اکراین و بحران بین‌المللی گاز در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ تمرکز کند، سپس به تحلیل ابعاد ژئوپلیتیکی و بین‌المللی امنیت انرژی آینده اتحادیه اروپا و برنامه‌های راهبردی اقدام انرژی اعضای این اتحادیه به‌عنوان راهکاری جهت مقابله با چالش‌های مذکور بپردازد. سپس به موقعیت ژئوآکونومیک ایران به‌عنوان بدیلی مناسب جهت تأمین امنیت انرژی اروپا می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک انرژی، ایران، اتحادیه اروپا، امنیت انرژی

* استادیار علوم سیاسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی کرمانشاه

sadeghi118@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۳/۱

فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲، صص ۱۷۹-۱۵۱

مقدمه

هرچند که بسیاری از متخصصان اروپایی در حوزه اقتصاد سیاسی انرژی، خوشبینانه بر این باورند که از طریق بسط و گسترش منابع انرژی‌های تجدیدپذیر^۱، جهش ناگهانی در اختراعات و پیشرفت‌های فناوری، افزایش و بهبود روش‌های بهره‌گیری از انرژی و متنوع‌ساختن منابع، می‌توان امنیت انرژی مصرفی این قاره را در میان‌مدت و حتی تا سال‌های پس از ۲۰۳۰ نیز تأمین و تضمین کرد، اما واقعیت‌های موجود، جلوه دیگری از این روایت را بازگو می‌کند؛ چراکه در حال حاضر، سوخت‌های فسیلی^۲ ضمن آن‌که همچنان به‌عنوان مهم‌ترین حامل انرژی، موضوع اصلی در مباحث مربوط به سیاست انرژی^۳ اعضای این اتحادیه و در صدر اولویت‌های کاری نشست سران اروپا قرار دارد، مسئله تأمین امنیت عرضه انرژی^۴ همین سوخت‌های فسیلی نیز به مسئله اصلی سیاست خارجی اتحادیه اروپا تبدیل شده است (8: Umbach, 2009; 6: Favenne, 2005; 6: Youngs, 2007). در همین ارتباط، شاید بتوان قطع صادرات گاز اُکراین در سردترین ایام سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ از سوی شرکت گازپروم روسیه^۵ را اعلام زنگ خطر و هشدار به سایر اعضای اتحادیه اروپا و مَهر تأییدی بر دغدغه‌های کشورهای مذکور در این خصوص تلقی کرد. این در حالی است که کشور ایران از نظر حجم منابع انرژی (سوخت‌های فسیلی)، با ذخایر گازی اثبات‌شده ۲۶/۵ تریلیارد متر مکعبی

1. Renewable Energy
2. Fossil Fuel
3. Energy Policy
4. Security of Supply
5. Gazprom

(۱۰۰۰ تریلیون فوت مکعب) و یا ۱۵/۸ درصد کل ذخیره گاز جهان، دومین دارنده ذخایر گاز جهان بعد از روسیه است. همچنین ایران با ۱۳۷/۶ میلیارد بشکه ذخایر شناخته شده نفت (۱۰/۳ درصد از کل ذخایر اثبات شده جهان)، جایگاه سوم این منبع استراتژیک جهانی را به خود اختصاص داده و با ظرفیت تولید فعلی، امکان بهره‌برداری از ذخایر نفتی ایران تا ۹۰ سال دیگر وجود داشته و به دلیل واقع شدن در کانون ۷۵ درصد انرژی جهان و برخورداری از موقعیت ترانزیتی بی نظیر و ممتاز، می‌تواند نقشی مهم و اساسی در حل بحران انرژی کشورهای عضو اتحادیه اروپا ایفا کند. با توجه به ملاحظات مذکور، پرسش اصلی پژوهش این است که رویکرد اتحادیه اروپا در حوزه امنیت انرژی چیست؟ و کشور ایران از چه جایگاهی در تأمین امنیت انرژی اروپا برخوردار است؟ در پاسخ، فرضیه پژوهش این است که رویکرد اتحادیه اروپا در حوزه امنیت انرژی، متنوع کردن واردات و تلاش برای رهایی از وابستگی به واردات انرژی از یک کشور خاص است و موقعیت ژئواکونومیک ایران، بدیلی مناسب برای تحقق بخشی از این هدف می‌باشد.

در راستای بررسی و آزمون فرضیه پژوهش سعی شده است که علاوه بر مباحث نظری، از داده‌های آماری بولتن‌ها و مجلات تخصصی و نهادهایی همچون آژانس بین‌المللی انرژی^۱، اداره اطلاعات انرژی آمریکا^۲، بریتیش پترولیوم^۳ و اوپک^۴ استفاده شود.

۱. مبانی نظری

امنیت انرژی^۵، یکی از مهم‌ترین اجزاء و موضوع محوری مباحث مربوط به سیاست انرژی است؛ چراکه توسعه اقتصادی کشورها و مناطق مختلف جهان چه در سطح خرد و چه در سطح کلان به آن مرتبط است (Correlje & Van der Linde, 2006: 532). هنگامی که از امنیت انرژی سخن گفته می‌شود، مراد از کاربرد این مفهوم آن است که جریان انتقال آزاد انرژی بر اثر ایجاد یک رشته حوادث و اتفاقات بحرانی، منقطع نگردد و کارایی نظام اقتصادی

1. International Energy Agency (IEA)
2. Energy Information Administration (EIA)
3. British Petroleum (BP)
4. Organization of the Petroleum Exporting Countries (OPEC)
5. Energy Security

بین‌الملل را مختل نسازد (Alhajji, 2007; Kruyt [etal], 2009: 2167).

در همین ارتباط، لازم است که ابتدا میان امنیت عرضه^۱ و امنیت تقاضای انرژی^۲ تفکیک قائل شویم؛ چراکه مسئله امنیت انرژی، یک مسئله و منظومه چندبعدی است و از زوایای مختلف، قابل بررسی است. منظور از امنیت عرضه آن است که به مصرف‌کنندگان این تضمین داده شود که وقوع یک رشته حوادث غیر قابل پیش‌بینی، همچون سهولت دسترسی به منابع قابل اطمینان^۳، مسیر ترانزیتی امن^۴، خطرات متوجه ساختارها و تأسیسات^۵ و عواملی همچون بلایا و آسیب‌های طبیعی^۶، تروریسم^۷، جنگ^۸، آشوب‌ها و ناآرامی‌های سیاسی^۹، شورش‌های مدنی^{۱۰} و مؤلفه‌هایی نظیر آن جریان عرضه انرژی و یا مقدار آن را متوقف نسازد (Weisser, 2007: 2 & Correlje & VanderLinde, 2006: 537-542 & Helm, 2002: 173-184) همچنین امنیت عرضه انرژی شامل تضمین امنیتی خطوط لوله انتقال انرژی نیز شده، به‌گونه‌ای که جریان آزاد و مداوم آن تحت تأثیر خواست و اراده سیاسی صادرکنندگان، منقطع نشود (Chichester, 2006). اما منظور از امنیت تقاضای انرژی این است که عرضه‌کنندگان تمایل دارند برای انرژی‌ای که تولید کرده و برای آن هزینه‌های زیادی صرف نموده‌اند، تقاضای مکفی وجود داشته باشد؛ چرا که در غیر این صورت، تولیدکنندگان باید هزینه‌های فرصت‌های از دست‌رفته زیادی را به‌دلیل معطلی سرمایه‌گذاری‌شان - تحمل کنند. همچنین امنیت تقاضا، امنیت صنعت نفت و محیط زیست، ابعاد و زوایای دیگر امنیت انرژی را تشکیل می‌دهند. در همین ارتباط چهار چالش بزرگ متوجه اقتصادسیاسی بین‌الملل در حوزه امنیت انرژی در قرن ۲۱ عبارتند از: افزایش رشد مصرف انرژی در حوزه فرآورده‌های نفتی؛ کاهش

1. Security of Supply
2. Security of Demand
3. Facility Dependence & Source Dependence
4. Transit Dependence
5. Structural Risks
6. Natural Disaster
7. Terrorism
8. War
9. Political Blackmail
10. Civil Unrest

منابع و ذخایر انرژی در جهان؛ امنیت عرضه و تقاضای انرژی، ۴. افزایش درجه آلودگی آب‌وهوای ناشی از گازهای گلخانه‌ای (Dorian [etal], 2006: 1984-1988; Hippel [etal], 2009: 1-11).

با توجه به این مهم، اندیشمندان حوزه اقتصادسیاسی و روابط بین‌الملل با استناد به روندهای جاری در نظام بین‌الملل، قرن بیست‌ویکم را قرن «ژئواکونومیک» نامیده‌اند؛ چراکه بر این باورند یکی از مهم‌ترین چالش‌های جهانی در این قرن، چالش بر سر انرژی است (Dorian [etal], 2006: 1984-1991) و مسئله امنیت انرژی یکی از مهم‌ترین جلوه‌های پارادایم اقتصادسیاسی این قرن خواهد بود (Nuttal [etal], 2008: 1249-1259; Umbach, 2009) تا آنجا که امروزه، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاسی رهبران و زمامداران در قاره اروپا (Weisser, 2007: 1-5; Youngs, 2009) و نیز ایالات متحده آمریکا را مسئله امنیت انرژی (امنیت عرضه و امنیت تقاضای انرژی) تشکیل می‌دهد (Correlje [etal], 2006: 532-543; Markandya [etal], 2009).

هرچند که برخی از متخصصان در حوزه اقتصادسیاسی انرژی، برای رهایی از چالش‌های مذکور، راه‌حلی هم‌چون کاهش مصرف انرژی^۱ (Steg, 2008: 4449-4453) چرخش در بهره‌گیری از منابع انرژی^۲ (زغال‌سنگ، انرژی اتمی و هیدروژن) (Yergin, 2006; Blanchette, 2008: 522-530) محدود ساختن تقاضاهای جدید^۳ و امید به تغییرات آب‌وهوایی را مطرح ساخته‌اند (Hughes, 2009: 2459-2461)، اما باید افزود تا هنگامی که بشر میل به تکامل و ترقی در ابعاد گوناگون زندگی مادی و معنوی خود را دارد و تا هنگامی که چرخ‌های صنعت در حال حرکت است، هیچ‌یک از راه‌حل‌های مذکور نمی‌تواند رشد شتابان نظام اقتصاد سرمایه‌داری را در اتحادیه اروپا مهار کند. بنابراین چالش جهانی در امر تأمین امنیت عرضه و تقاضای انرژی و یافتن راه‌کاری برای ایجاد تعادلی در روابط بین این دو مقوله همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند. از آنجاکه اتحادیه اروپا از جمله مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی و نیز واردکنندگان عمده میعانات نفتی است، بالطبع چالش امنیت انرژی

-
1. Using Less Energy (Reduce)
 2. Shifting to Secure Sources (Replace)
 3. Limiting New Demand to Secure Sources (Restrict)

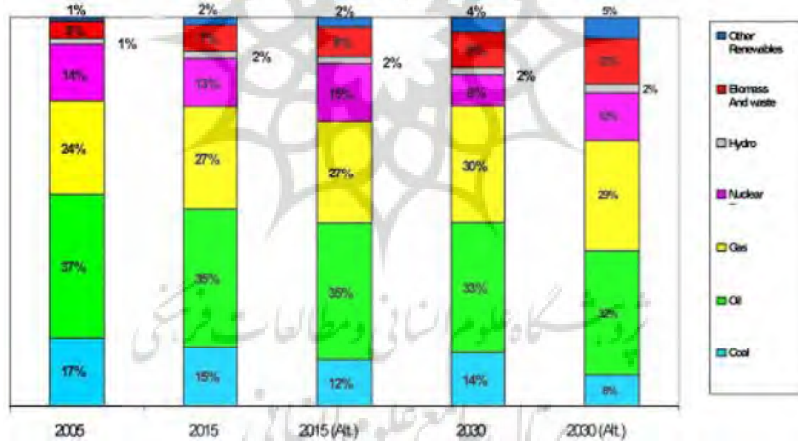
به مراتب برای اعضای این اتحادیه، جدی‌تر خواهد بود. امری که در این پژوهش، قصد تبیین آن را داریم.

لازم به ذکر است که هدف از به‌کارگیری اصطلاح «انرژی» در این پژوهش، «سوخت‌های فسیلی» (نفت و گاز)، با تأکید بر گاز به‌عنوان انرژی پاک^۱ است.

۲. وضعیت انرژی اتحادیه اروپا

بر اساس گزارش کمیسیون اتحادیه اروپا^۲ و نیز آژانس بین‌المللی انرژی، ترکیب انرژی مصرفی ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا بدین شرح است: نفت و گاز ۶۱ درصد، انرژی‌های جامد ۱۸ درصد، انرژی هسته‌ای ۱۴ درصد و سایر انرژی‌های تجدیدپذیر ۷ درصد (نمودار ۱). مقایسه آمارهای مذکور در چشم‌انداز ۲۰۳۰ نشان می‌دهد که سوخت‌های فسیلی همچنان از جایگاه بسیار بااهمیتی در ترکیب سبد انرژی مصرفی اعضای اتحادیه اروپا برخوردار است.

نمودار شماره (۱). مقایسه سهم تقاضای انرژی در سبد انرژی مصرفی اروپا ۲۰۰۵-۲۰۳۰

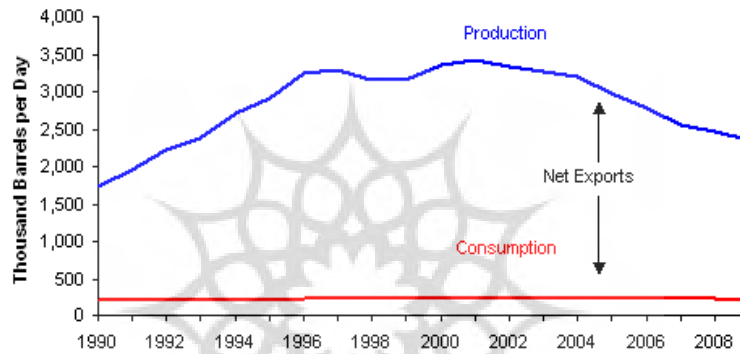


Source: (IEA, 2011).

هرچند که در قاره اروپا، کشوری همچون نروژ از تولیدکنندگان مهم انرژی تلقی شده (نمودار ۲ و ۳) و از صادرکنندگان مهم نفت و گاز به کشورهای عضو اتحادیه اروپا به‌شمار می‌آید (نمودار ۴) و هرچند که کشوری همچون انگلیس از واردکنندگان

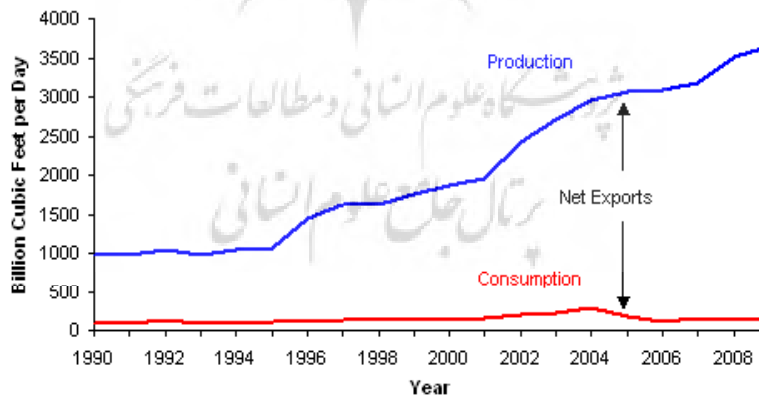
و صادرکنندگان انرژی به سایر کشورهای اروپا است (نمودار ۵)، اما باید در نظر داشت است که ذخایر اثبات شده نفت در کشورهای عضو این اتحادیه، کمتر از درصد ذخایر جهانی و ذخایر اثبات شده نروژ نیز، حدود ۱ درصد ذخایر جهانی است؛ و این خود به معنای وابستگی و آسیب پذیری بیشتر اعضای اتحادیه اروپا در این عرصه است (نقشه ۱): (Kaiser & Pulsipher, 2007: 1990-2009; Dorian [etal], 2006: 1300).

نمودار شماره (۲). مقایسه میزان تولید و مصرف "میعانات نفتی" (نروژ ۱۹۹۰-۲۰۰۹)



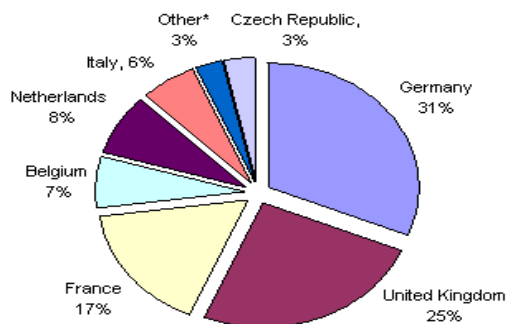
Source: (IEA, 2011).

نمودار شماره (۳). مقایسه میزان تولید و مصرف "گاز طبیعی" (نروژ ۱۹۹۰-۲۰۰۹)



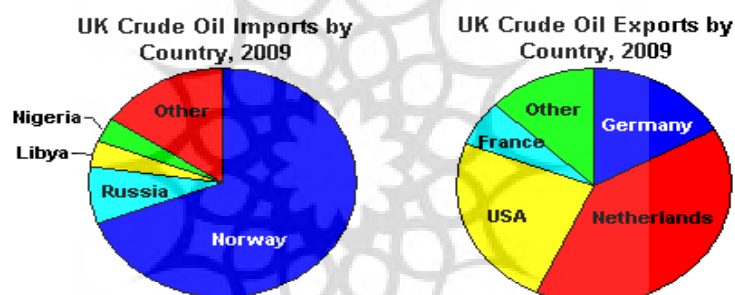
Source: (IEA, 2011).

نمودار شماره (۴). میزان صادرات گاز طبیعی نروژ به کشورهای عضو اتحادیه اروپا



Source: (IEA, 2011).

نمودار شماره (۵). واردات و صادرات میعانات نفتی انگلیس به دیگر کشورهای اروپایی



Source: (IEA, 2011).

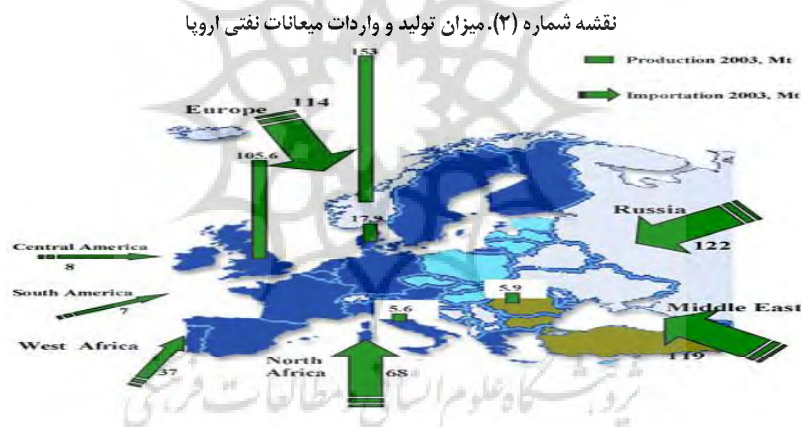
نقشه شماره (۱). پراکنده جغرافیایی ذخایر اثبات شده نفت و گاز اروپا



Source: (Favennece, 2005: 8)

روندهای موجود نشان می‌دهد که افزایش تقاضا برای بهره‌برداری از منابع گاز به‌عنوان یک انرژی پاک، مهم‌ترین مسئله اتحادیه اروپا در حال حاضر و در دو دهه آینده می‌باشد. اروپا در حال حاضر، بزرگ‌ترین بازار واردات گاز طبیعی جهان است و این روند رقابت جهانی برای واردات گاز را همچنان تا سال ۲۰۳۰، ادامه خواهد داد. لازم به ذکر است که کمی بیش از ۵۰ درصد گاز وارداتی به اروپا، جهت تولید برق مورد استفاده قرار می‌گیرد (Favennece, 2005: 6).

در حال حاضر اتحادیه اروپا ۱۵/۲ درصد از حجم کلی گاز طبیعی و ۱۹/۳ درصد از حجم کلی نفت خام جهان را مصرف می‌کند. بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت به این قاره به ترتیب عبارتند از روسیه و جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته مشترک‌المنافع^۱ با صادرات روزانه ۲۱۴/۶ میلیون تن، خاورمیانه ۱۶۱ میلیون تن و آفریقای شمالی ۱۲۲ میلیون تن (نقشه ۲).



Source: (Favennece, 2005: 6)

در حوزه گاز نیز کشورهای این قاره، بیش از نیمی از گاز مصرفی خود را تنها از سه کشور روسیه (۲۶ درصد)، نروژ (۱۴ درصد) و الجزایر (۱۰ درصد) تأمین می‌کند. لازم به ذکر است که در حال حاضر بسیاری از اعضای جدید اتحادیه اروپا و به‌ویژه کشورهای عضو سابق اتحاد جماهیر شوروی، به گاز وارداتی از روسیه بسیار وابسته هستند؛ به‌خصوص آن که ۸۰ درصد گاز صادراتی روسیه به اروپا، تنها

از مسیر اکراین به کشورهای این قاره وارد می‌شود (Stern, 2005). این روند نشان می‌دهد که میزان گاز مصرفی وارداتی اروپا تا ۲۰ سال آینده، نسبت به زمان حال، ۸۰ درصد افزایش خواهد یافت و تا سال ۲۰۳۰ میزان افزایش وابستگی واردات گاز این اتحادیه از کشور روسیه به ۳۸ درصد، نروژ ۱۸ درصد و الجزایر ۱۰ درصد خواهد رسید (Eurogas, 2008: 1). براساس همین برآورد، اروپا تا سال ۲۰۳۰، واردکننده ۴۸۸ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی خواهد بود. همچنین میانگین تقاضا برای گاز طبیعی در سبد انرژی مصرفی کشورهای این قاره، از ۲۳ درصد کنونی به ۳۲ درصد تا سال ۲۰۳۰، افزایش خواهد یافت (Eurogas, 2008: 2-3; Correlge & Van der Linde, 2006: 534-5 & Umbach, 2009: 8).

با توجه به مطالب ارائه‌شده، در زیر به موقعیت ژئواکونومیک ایران در کانون ذخایر انرژی جهان پرداخته تا روشن سازیم که منابع انرژی و نیز موقعیت ژئواکونومیک ایران می‌تواند به‌عنوان گزینه‌ای مطلوب در راهبرد انرژی اتحادیه اروپا در نظر گرفته شود.

۳. موقعیت ایران

کشور ایران دارای ویژگی‌های خاص ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیکی است. از نظر موقعیت مرکزی، به‌دلیل واقع شدن در بین دو قاره اروپا و آسیا و نیز قرارگرفتن در میان کشورهای آسیای مرکزی و حوزه قفقاز در شمال و کشورهای حوزه خلیج فارس در جنوب و واقع شدن در قلب ۷۵ درصد مجموع ذخایر نفت و گاز و انرژی جهانی، موقعیتی بی‌همتا در حمل‌ونقل کالا و ترانزیت انرژی دارد. نکته قابل توجه این که ایران، تنها صادرکننده نفت خاورمیانه و عضو اوپک است که با کشورهای آسیای مرکزی، مرز مشترک دارد. این موقعیت، قدرتی مضاعف و غیرمتعارف به ایران بخشیده؛ چنانچه این ویژگی و مشخصه را با دیگر عناصر قدرت، ممزوج کنیم، بدون هیچ‌گونه مبالغه‌ای باید اذعان کرد که این کشور از منظر مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی، قدرتمندترین و باثبات‌ترین کشور در حوزه جغرافیای سیاسی منطقه خاورمیانه، آسیای مرکزی، حوزه دریای خزر و مناطق پیرامونی آن است. از نظر موقعیت ژئواکونومیک نیز، با نگاهی به پراکنندگی و توزیع جغرافیای

جهانی انرژی، به خصوص در منطقه خاورمیانه، خلیج فارس و اوراسیا و به دلیل واقع شدن در کانون کریدور و مسیر جنوبی انتقال انرژی به اروپا و نیز مجاورت در کنار بزرگترین کریدور انتقال انرژی جهان؛ یعنی تنگه استراتژیک هرمز، مکانی که محل عبور ۴۰ درصد صادرات انرژی جهان است (Klare, 2004: 4)، چنین به نظر می‌رسد که کشور ایران به دلیل واقع شدن در مرکز و کانون بیضی استراتژیک انرژی^۱ (Kemp & Harkavy, 1997) این قابلیت را دارد که نقشی استراتژیک در اقتصاد سیاسی تجارت و ترانزیت انرژی منطقه، ایفا کرده و بدیلی مناسب برای حل بخش مهمی از بحران امنیت انرژی اتحادیه اروپا زیاده باشد (Matutinovic, 2009 & Omonbude, 2007: 6188-6194).

از آنجا که در ساختار اقتصادی بین‌المللی، انرژی از ابزارهای مهم کسب ثروت و قدرت است، کشور ایران نیز به دلیل واقع شدن در کانون هارتلند (قلب) انرژی جهان، از جایگاهی ممتاز در این ساختار نوین برخوردار است. افزایش سهم ایران در تولید، تجارت و ترانزیت انرژی در پرتو دیپلماسی لوله‌های انرژی، ضمن آن‌که بستر مناسبی را برای توسعه و همگرایی منطقه‌ای این کشور با اعضای اتحادیه اروپا ایجاد خواهد کرد، پیوند میان اقتصاد ایران با اقتصاد کشورهای این بخش از جهان را نیز برقرار خواهد ساخت. همین امر به نوبه خود شرایط مساعدی را نیز برای حرکت در مسیر توسعه و ارتقای سطوح امنیت و قدرت ملّی ایران در پی خواهد داشت. از آنجا که افزایش رشد تقاضا برای انرژی‌های فسیلی و کاهش چشمگیر ذخایر نفتی دریای شمال و آمریکای مرکزی، ضرورت ایجاد مثلث ژئوپلیتیک و مسیر جدید انرژی را - که یک ضلع آن در خلیج فارس و ضلع دیگر آن در آسیای مرکزی و حوزه دریای خزر قرار دارد- برای پاسخگویی به این تقاضاهای جدید ایجاد کرده، بالطبع این مسئله ضرورت ایجاد و فعال‌سازی خطوط انتقال انرژی را نیز ایجاب می‌نماید.

از آنجا که بر اساس منشور سبز اتحادیه اروپا^۲، یکی از اهداف این اتحادیه، کاهش وابستگی به روسیه در زمینه انرژی و یافتن منابع و مسیرهای بدیل و از جمله

1. The Strategic Energy Ellipse
2. Green Chart on Energy

دسترسی به ذخایر غنی انرژی منطقه خلیج فارس و دریای خزر است، بنابراین کشور ایران می‌تواند به لحاظ موقعیت ممتاز ژئواکونومیکی و واقع شدن در کانون این ذخایر و مسیر انتقال انرژی تنگه استراتژیک هرمز و پل ارتباطی جمهوری‌های تازه استقلال یافته آسیای مرکزی به روی بازارهای تجارت جهانی انرژی و تسهیل در امر صادرات و انتقال منابع انرژی منطقه به بازارهای هدف و از جمله اتحادیه اروپا به عنوان بدیلی مناسب، به خصوص در برابر روسیه در نظر گرفته شود. لازم به ذکر است که این مسیر به لحاظ سیاسی نیز برای ایران بسیار حایز اهمیت است؛ زیرا ضمن اینکه این کشور را به صورت یک محور مهم ترانزیتی منطقه در خواهد آورد، در بعد استراتژیکی نیز مانع از انزوای ژئوپلیتیکی ایران خواهد شد (Matutinovic, 2009 & Omonbude, 2007: 6188-6194).

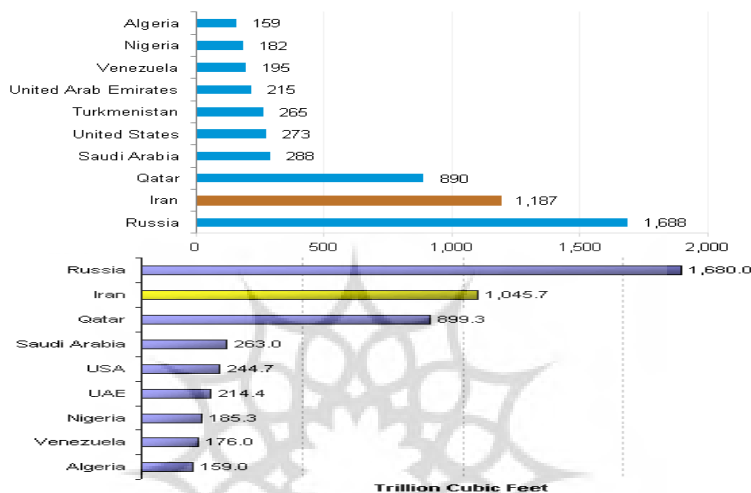
با توجه به مطالب بالا، در زیر به ژئوپلیتیک انرژی ایران پرداخته و توانایی‌های این کشور را به عنوان بدیلی مناسب در راهبرد انرژی اتحادیه اروپا مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴. ژئوپلیتیک انرژی ایران

۴-۱. ژئوپلیتیک انرژی ایران از نظر حجم منابع انرژی (سوخت‌های فسیلی)
ایران با ذخایر گازی اثبات شده ۲۶۷۵ تریلیارد متر مکعبی (۱۰۰۰ تریلیون فوت مکعب) و یا ۱۵/۸ درصد کل ذخیره گاز جهان، دومین دارنده ذخایر گاز جهان بعد از روسیه است (نمودار ۶) و در حال حاضر ۳/۷ درصد تولید گاز جهان و ۳/۱ درصد سهم بازار گاز جهان را در دست دارد (IEA, 2009: 57 & Bilgin, 2009). عمر ذخایر گازی ایران با حجم تولید فعلی، ۲۴۵ سال است (BP, 2010: 22). هر چند که در حال حاضر، ذخایر گاز شناخته شده ایران در حوزه دریای خزر، حجم چشم‌گیری را به خود اختصاص نمی‌دهد و رقمی در حدود ۰/۳ تریلیارد متر مکعب است (EIA, 2010)، اما در مقابل پارس جنوبی، بزرگ‌ترین و غنی‌ترین منبع گاز طبیعی ایران و جهان، با مساحت ۳۷۰۰ کیلومتر مربع (مساحت کل میدان گازی ۹۷۰۰ کیلومتر مربع است) و حجم ذخیره ثابت شده ۱۲۳ تریلیارد متر مکعب گاز به همراه ۱۸ میلیارد بشکه میعانات گازی (۹ درصد از کل ذخایر گازی جهان)، در جنوب ایران در ۱۰۰ کیلومتری عسلویه در عمق

۳۰۰۰ متری زیر سطح دریا در خلیج فارس واقع شده است. همچنین، موقعیت استراتژیک ایران در عرصه ترانزیت انرژی حوزه دریای خزر، بی‌همتا و منحصر به فرد است (Petroleum Economist, 2004).

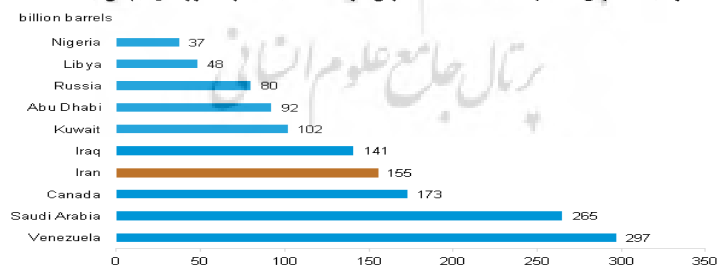
نمودار شماره (۶). میزان ذخایر اثبات شده گاز طبیعی ایران در مقایسه با دیگر کشورهای جهان (سال ۲۰۱۰)



Source: (Oil & Gas Journal, Jan 1, 2011).

همچنین ایران با ۱۳۷/۶ میلیارد بشکه ذخایر شناخته شده نفت (۱۰/۳ درصد از کل ذخایر اثبات شده جهان)، جایگاه سوم این منبع استراتژیک جهانی را بعد از عربستان سعودی و کانادا به خود اختصاص داده و با ظرفیت تولید فعلی، امکان بهره برداری از ذخایر نفتی ایران تا ۹۰ سال دیگر وجود دارد (نمودار ۷).

نمودار شماره (۷). میزان ذخایر اثبات شده نفت ایران در مقایسه با دیگر کشورهای جهان (سال ۲۰۱۳)

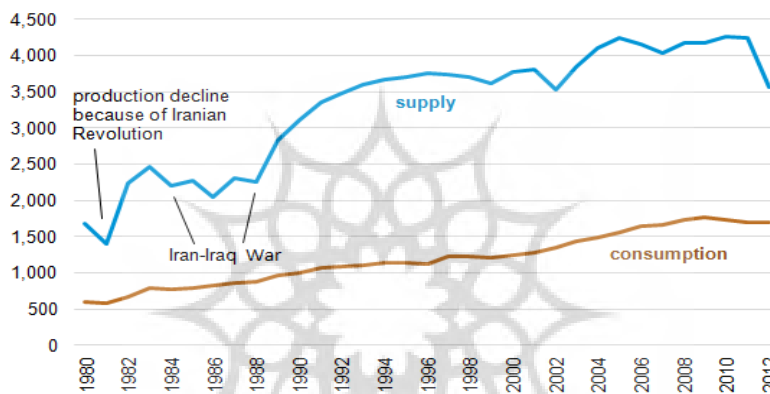


Source: (IEA, 2013)

۲-۴. ژئوپلیتیک انرژی ایران در حوزه تولید و صادرات نفت

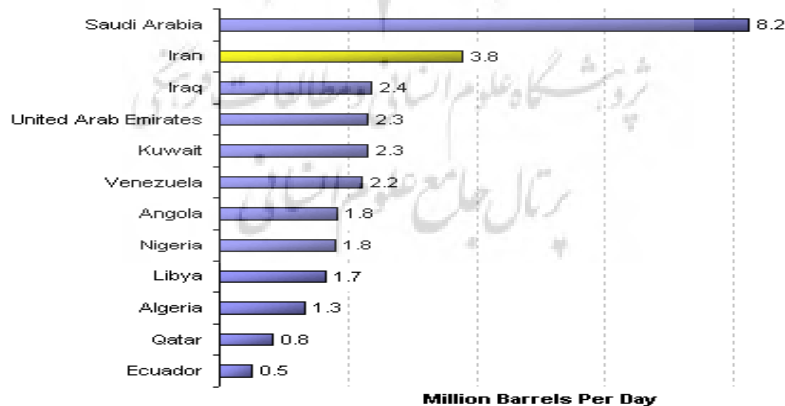
تا قبل از تحریم‌های بین‌المللی دو سال اخیر، توان تولید روزانه نفت ایران حدود ۴ میلیون بشکه نفت بود (نمودار ۸) و در حال حاضر کمتر از سه میلیون بشکه در روز است. همچنین این کشور تا قبل از تحریم‌های بین‌المللی دو سال اخیر، دومین تولیدکننده نفت در اوپک و نیز چهارمین صادرکننده نفت در بین تولیدکنندگان بزرگ نفت در جهان بوده است (نمودار ۹ و ۱۰).

نمودار شماره ۸). مقایسه میزان تولید و مصرف میعانات نفتی ایران (۱۹۸۰-۲۰۱۲)



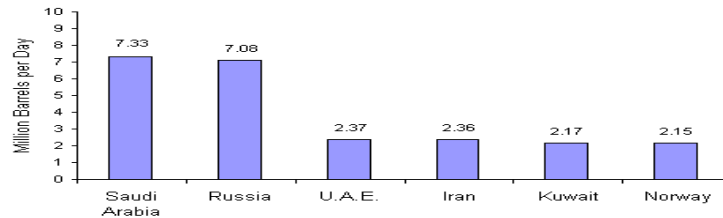
Source: (IEA, 2013)

نمودار شماره ۹). مقایسه جایگاه تولید نفت ایران با دیگر کشورهای اوپک



Source: (EIA, January 2010).

نمودار شماره (۱۰). میزان صادرات نفت ایران (۲۰۱۱)



Source: (IEA, 2011).

در بُعد خارجی و در درون اوپک نیز، کشور ایران ۱۴ درصد از تولید جمعی را به خود اختصاص داده و از صادرکنندگان عمده میعانات نفتی این سازمان به سایر کشورهای جهان به شمار آمده (جدول ۱) و پالایشگاه‌های این کشور از ظرفیت مناسبی برای تسویه میعانات نفتی برخوردار است (جدول ۲).

جدول شماره (۱). سهم صادرات نفتی ایران به مناطق مختلف جهان

Iran's Top Export Destinations, 2010		
Country	000 bbl/d	Share of total (percent)
China	426	20
Japan	362	17
India	345	16
Italy	208	10
South Korea	203	9
Other	610	28
Total Exports	2,154	100

Source: (IEA, 2012).

جدول شماره (۲). ظرفیت پالایشگاه‌های تسویه نفت خام ایران

Iran's Refining Capacity, 2011	
Refinery	000 bbl/d
Abadan	350
Isfahan	284
Bandar Abbas	232
Tehran	220
Arak	170
Tabriz	100
Shiraz	40
Lavan Island	30
Kermanshah	25
Total Output	1,451

Source: (IEA, 2012).

۳-۴. ژئوپلیتیک انرژی ایران در حوزه خطوط لوله انتقال انرژی

توانایی‌های بالقوه و موقعیت ترانزیتی ایران در منطقه ایجاب می‌کند که شاهراه‌های اصلی انتقال انرژی از مسیر این کشور عبور کند، به‌خصوص با علم به این مطلب که ترانزیت هر یک میلیون بشکه نفت در روز، درآمد یک میلیارد دلاری در سال را برای این کشور به ارمغان خواهد داشت؛ مقایسه موقعیت ایران با دیگر کشورهای تولیدکننده انرژی در منطقه اوراسیا، بیانگر آن است که این کشور از موقعیت استراتژیک ممتازی برخوردار است؛ به‌خصوص آن که یکی از کانون‌های محوری مورد توجه اعضای اتحادیه اروپا برای تأمین منابع انرژی مصرفی، حوزه آسیای مرکزی و دریای خزر است. دریایی که حلقه اتصال کشورهای آسیای مرکزی با روسیه، قفقاز و ایران بوده و محل تلاقی محورهای مواصلاتی و ارتباطی شمال اروپا به اقیانوس هند و نیز شرق دور است و کشور ایران از نظر موقعیت مرکزی در کانون این منطقه و محور مواصلاتی آن قرار دارد (نقشه ۳).

نقشه شماره (۳). موقعیت مرکزی ایران و مسیرهای اصلی انتقال انرژی از آسیای مرکزی و قفقاز به اروپا



Source: (Kaiser & Pulsipher, 2007: 1310).

منطقه آسیای مرکزی نیز که در چهارراه قاره آسیا، اروپا و منطقه خاورمیانه واقع شده و شامل کشورهای ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، تاجیکستان می‌شود؛ یکی از مناطق هدف اتحادیه اروپا از منظر دارا بودن حجم عظیمی از ذخایر نفت تلقی

می‌شود، کمترین تخمین ۱۷/۲ (BP, 2004) و حداکثر ۴۹/۷ میلیارد بشکه ذخایر شناخته‌شده یا ۵ درصد از کل ذخایر جهانی نفت و ۷/۶ تریلیارد متر مکعب یا ۴/۲ درصد از کل ذخایر جهانی گاز طبیعی است (BP, 2008 & EIA, 2009).

صنعت نفت و گاز، موتور حرکت رشد و توسعه شتابان اقتصادی کشورهای این منطقه پس از استقلال از شوروی سابق بوده و ابزاری برای برقراری تعادل سیاسی^۱ در مناسبات با قدرت‌های منطقه‌ای^۲ و شرکت‌های بزرگ نفتی است و نقش بسیار مهمی را در اقتصاد سیاسی و تولید ناخالص داخلی این کشورها ایفا می‌کند. در فضای منقطع پس از جنگ سرد، روند جهانی شدن این منطقه با سرعت زیادی تعقیب شده و دولتمردان این کشورها، توجه خود را از اولویت بخشیدن به ترتیبات همکاری و امنیت منطقه‌ای به سوی ادغام در روندهای نوین در اقتصاد سیاسی انرژی و به خصوص اقتصاد بازار، تغییر داده‌اند؛ تا آنجا که در کشوری همچون قزاقستان بالغ بر ۹۰ درصد حجم سرمایه‌گذاری در بخش اکتشاف و تولید منابع نفت و گاز از محل جلب مشارکت سرمایه‌گذاری خارجی تأمین می‌شود (Peck, 2004).

مهم‌ترین مسائل ژئوپلیتیکی در این منطقه، مالکیت بر منابع انرژی، میزان بهره‌برداری از مخازن نفتی و چگونگی یافتن مسیرهایی برای انتقال انرژی منطقه به بازارهای هدف در اقتصاد سیاسی جهانی انرژی است. تولید نفت در این منطقه در حال حاضر ۲/۳ میلیون بشکه در روز است که پیش‌بینی می‌شود این رقم تا سال ۲۰۱۵ به ۴ میلیون بشکه در روز افزایش یابد. میزان ذخایر قابل توجه نفت و گاز در این منطقه، فرصت‌های ایده‌آلی را به منظور جلب مشارکت و سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ نفتی اروپایی جهت سرمایه‌گذاری در بخش اکتشاف، تولید و انتقال انرژی این منطقه، به وجود آورده و در این بین، کشور ایران از موقعیت بسیار مناسبی به منظور توسعه همکاری های نفتی، به خصوص در عرصه انتقال انرژی هم با کشورهای منطقه و هم با اتحادیه اروپا برخوردار است (نقشه ۴ و ۵) (Dorian, 2006: 544).

نقشه شماره (۴). موقعیت ایران و مسیرهای انتقال نفت از آسیای مرکزی، حوزه دریای خزر و قفقاز به اروپا



Source: (IEA, 2008).

نقشه شماره (۵). موقعیت ایران و مسیرهای اصلی انتقال گاز طبیعی از آسیای مرکزی، حوزه دریای خزر و قفقاز به اروپا



Source: (IEA, 2008).

۵. راهبرد اتحادیه اروپا برای مقابله با چالش امنیت انرژی

۵-۱. در درون اتحادیه اروپا

با توجه به آسیب‌پذیری اتحادیه اروپا، در نوامبر ۲۰۰۰، کمیسیون اروپایی در نخستین سند سبز^۱ خود، هشدار داد که تا ۲۰ الی ۳۰ سال آینده، میزان تقاضا برای سوخت‌های فسیلی وارداتی این قاره از ۵۰ درصد کنونی به ۷۰ درصد افزایش خواهد یافت. به عبارتی ۹۰ درصد نفت مصرفی، ۷۰ درصد گاز و ۱۰۰ درصد زغال سنگ مورد نیاز، باید از خارج به کشورهای این قاره صادر شود (European Commission, 2000; Umbach, 2009: 8).

همچنین در نشست سران این اتحادیه برای تدوین و تکمیل سند سبز انرژی این قاره (دومین سند سبز) در مارس ۲۰۰۶، مهم‌ترین دغدغه‌های حاضران عبارت بودند از: چگونگی اتخاذ یک راهبرد واحد از سوی همه کشورهای عضو این اتحادیه در عرصه انرژی و این‌که انرژی به‌عنوان یک قدرت نرم^۲، چگونه می‌تواند نقشی مؤثر در تحکیم و یا تضعیف دولت‌ها و دولتمردان این اتحادیه از خود برجای گذارد؛ و این‌که انرژی چگونه دولت‌های اروپایی را در یک بازی بزرگ^۳ با قدرت‌هایی همچون ایالات متحده آمریکا، روسیه و چین درگیر ساخته است؛ و این‌که این اتحادیه چگونه تعادلی را در روابط بین ارزش‌های دموکراتیک^۴ و حقوق بشر^۵ که خود را ملزم به دفاع از آن می‌داند با منافع اعضای این اتحادیه در عرصه انرژی و در برابر دول غیردموکراتیک و اقتدارگرای نفتی^۶، در سیاست خارجی خود در پیش گیرد (European Commission, 2006 & Youngs, 2009: Ch2-3).

اعضای اتحادیه اروپا بر این باورند که نیازهای فزاینده روسیه به درآمد مالی حاصل از صادرات میعانات نفتی به بازارهای مصرف در اروپا، مانع از ابزاری شدن انرژی و خطوط لوله انتقال آن توسط مقامات کرملین و تبدیل آن به اهرم سیاست

1. Green Paper
2. Soft Power
3. Great Game
4. Democratic Values
5. Human Rights
6. Authoritarian Regimes



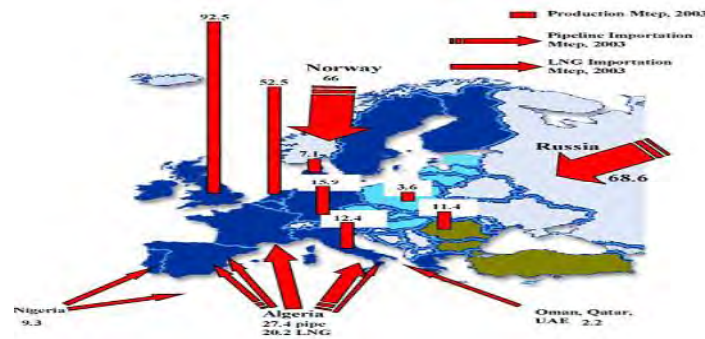
خارجی این کشور در عصر جهانی‌شدن اقتصاد و گردش سرمایه‌های بین‌المللی خواهد شد؛ به‌خصوص آن‌که اتحادیه اروپا در حال حاضر ۷۹ درصد سرمایه‌گذاری خارجی روسیه را که رقمی در حدود ۳۰ میلیارد دلار است به‌خود اختصاص داده و از این حیث، بزرگ‌ترین شریک تجاری روسیه به‌شمار می‌آید (Kaczmarek, 2005: 19).

با توجه به این مهم، سران این اتحادیه در طی یک دهه گذشته با هدف دسترسی به یک راهبرد واقع‌بینانه برای مشارکت با روسیه در حوزه انرژی، با مقامات کرملین وارد «مذاکرات انرژی»^۱ شده‌اند. برای رسیدن به این هدف، نمایندگان کشورهای عضو اتحادیه اروپا از سال ۱۹۹۷ وارد گفتگو با مقامات دولت روسیه شده، ضمن تلاش برای ترغیب این کشور برای تصویب پیمان منشور انرژی و پروتکل ترانزیت انرژی^۲ با این کشور توافقنامه همکاری و مشارکت^۳ در عرصه انرژی را نیز امضاء نموده‌اند، اما این اقدام‌ها صرفاً تلاش‌هایی بی‌ثمر و آرزویی است که تحقق آن، چندان نویدبخش نیست؛ چراکه در نشست سران این اتحادیه در ماه می ۲۰۰۹ در روسیه، مدودوف^۴ رئیس‌جمهور روسیه، به‌صراحت اعلام کرد که این کشور از پذیرش، تصویب و اجرای موارد ذکر شده خودداری نموده، اما حاضر به ارائه پیشنهادها و اصلاحی در خصوص همکاری‌های دوجانبه در این خصوص است (Truscott, 2009: 23-25).

با مشاهده چنین کنش‌هایی در رفتار سیاسی روسیه، اتحادیه اروپا در سیاست خارجی جدید خود، در پی متنوع‌ساختن بازارهای واردات خود بوده، ضمن تصریح در تداوم همکاری‌های کوتاه‌مدت اعضای این اتحادیه با روسیه، در راهبرد بلندمدت خود، در پی کاهش وابستگی به شرکت گازپروم روسیه و درمقابل گسترش همکاری با سایر تولیدکنندگان و از جمله نروژ، الجزایر، کشورهای عضو اوپک، شورای همکاری خلیج فارس^۵ تولیدکنندگان شمال آفریقا و تولیدکنندگان بزرگ در اوراسیای مرکزی هستند (نقشه‌V) (Bilgin, 2009: 1-10).

1. Energy Dialogue
2. Energy Charter Treaty and Transit Protocol (ECT)
3. Partnership and Co-operation Agreement (PCA)
4. President Medvedev
5. Gulf-Cooperation Council

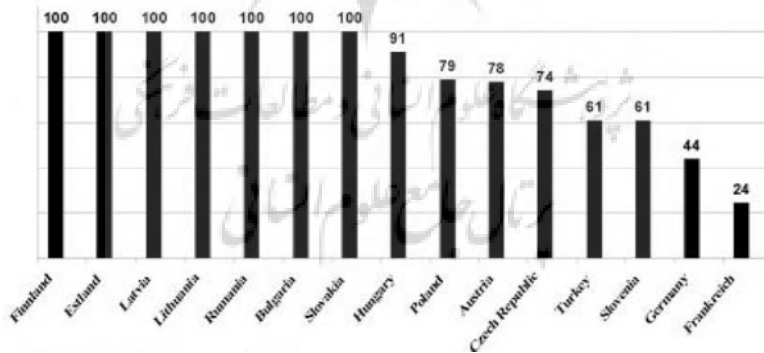
نقشه شماره (۷). میزان تولید و واردات گاز طبیعی اروپا



Source: (Favennece, Jean-Pierre, 2005: 7).

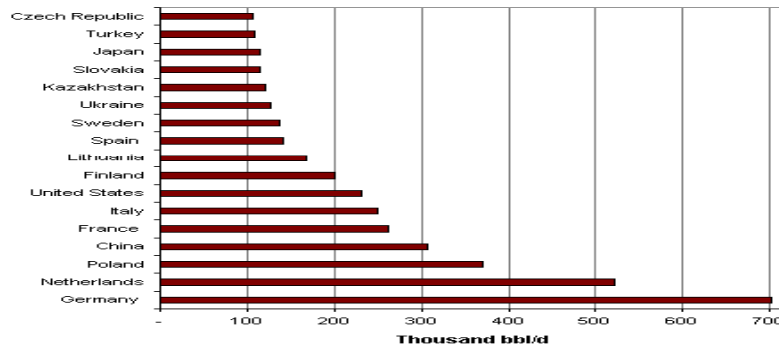
از این منظر، اتحادیه اروپا برای تأمین امنیت انرژی اعضای خود تلاش می‌کند تا پیوندی را میان ابعاد گوناگون انرژی، سیاست خارجی و امنیتی مشترک در روابط با کشورهای جهان سوم نیز ایجاد کند. در راستای تحقق چنین هدفی، این اتحادیه ضمن این‌که در پی آن است تا میزان تقاضای مصرفی خود را سالانه کاهش دهد، تلاش می‌کند تا از راه مشارکت فعال در اجرای طرح‌هایی همچون ناباکو^۱ و افزایش میزان گاز طبیعی مایع وارداتی مصرفی خود از بازارهایی غیر از روسیه، وابستگی خود را به این کشور کاهش دهد (نمودار ۱۱ و ۱۲) (Umbach, 2009: 9-10).

نمودار شماره (۱۱). مقایسه میزان وابستگی کشورهای اروپایی به واردات "گاز" از روسیه



Source: (IEA, 2010).

نمودار شماره (۱۲). میزان واردات «میعانات نفتی» کشورهای اروپایی از روسیه (۲۰۰۹)



Source: (EIA , 2010).

در همین ارتباط، یک سال پس از منازعه روسیه و اوکراین بر سر قیمت صادرات گاز روسیه، اتحادیه اروپا، تحت رهبری آلمان در مارس ۲۰۰۷، موافقت نمودند که برنامه اقدام انرژی^۱ این قاره را تا سال ۲۰۰۹، به تصویب تمامی اعضای این اتحادیه برسانند. این برنامه شامل مواردی همچون آزادسازی بازارهای داخلی این اتحادیه جهت گاز و الکتریسیته، به کارگیری ابزارهای مؤثر به منظور امنیت عرضه انرژی، مشخص کردن رویکردی مشترک در تعیین سیاست‌های داخلی این اتحادیه در حوزه انرژی و تمرکز بر راهبردی مشترک نسبت به حفظ منابع انرژی موجود و اتخاذ رویکردی مشترک نسبت به ابعاد مسئله انرژی در سطح جهانی است (Umbach, 2009: 6)

از جمله مهم‌ترین موارد مورد توافق کشورهای عضو اتحادیه اروپا بر اساس دومین سند راهبرد تجدید نظر در انرژی^۲ سران این اتحادیه را می‌توان چنین برشمرد:

- افزایش بهره‌وری از مصرف انرژی به مقدار ۲۰ درصد در سراسر اروپا؛
- تلاش برای بهره‌برداری از سایر منابع و انرژی‌های تجدیدپذیر به مقدار ۲۰ درصد از حجم کل انرژی مورد نیاز مصرفی این قاره؛
- حرکت در راستای اجرای پروتکل کیوتو^۳ از طریق کاهش ۲۰ درصدی گاز کربن در مقایسه با دهه ۱۹۹۰؛

1. Energy Action Plan
2. Second Strategic Energy Review
3. Kyoto Protocol

- متنوع ساختن بازارهای مصرف و مسیرهای انتقال انرژی؛
 - توجه بیشتر به منابع انرژی شمال و غرب آفریقا، خاورمیانه، آسیای مرکزی و دریای خزر (7: Umbach, 2009 & 12: European Union Commission, 2008).
 در تکمیل موارد مذکور، کمیسیون جدید اروپایی در نوامبر ۲۰۰۸، دومین راهبرد تجدیدنظر در بهره‌گیری از منابع انرژی و نیز برنامه جدید اقدام مشترک این اتحادیه درخصوص امنیت انرژی اروپا را با هدف شناسایی ضعفها و مشکلاتی که این اتحادیه از طریق اتخاذ یک رویکرد مشترک واقع‌بینانه بتواند بر آن غلبه یافته و از این طریق امنیت عرضه انرژی را برای ۲۷ کشور عضو این اتحادیه ارتقاء دهد، تشکیل شد. در این اجلاس پنج راهحل و برنامه مشترک برای سال‌های آینده این اتحادیه، پیشنهاد شد:
 - لزوم توجه به زیرساخت‌ها و متنوع‌ساختن منابع عرضه انرژی؛
 - مسئله ذخیره‌سازی منابع نفت و گاز واتخاذ سازوکاری برای واکنش به بحران‌های پیش‌روی؛
 - مسئله چگونگی بهره‌برداری از منابع انرژی طبیعی داخلی کشورهای عضو این اتحادیه؛
 - مسئله چگونگی افزایش کارایی و استفاده بهینه از منابع انرژی موجود؛
 - مسئله چگونگی اتخاذ رویکرد مشترک اعضای این اتحادیه در سیاست خارجی و در عرضه انرژی (8-7: Umbach, 2009).

۲-۵. راهبرد اتحادیه اروپا در ارتباط با تولیدکنندگان انرژی منطقه اوراسیا
 اتحادیه اروپا با مشاهده حضور چینی‌ها و ژاپنی‌ها در آسیای مرکزی و رقابت کشورهای مذکور بر سر تصاحب منابع انرژی کشورهای منطقه و نیز نگرانی از اعمال سیاست‌های انحصارطلبانه روسیه در این منطقه و جلوگیری از تکرار تجربه قطع گاز صادراتی روسیه به اکراین، از طریق تعامل با سیاست‌های ایالات متحده آمریکا و هم‌سویی با راهبردهای این کشور در منطقه آسیای مرکزی و حوزه دریای خزر، برای تأمین امنیت انرژی اعضای این اتحادیه، سیاست دوگانه‌ای را در روابط خود با کشورهای منطقه، حول محورهای زیر به اجرا گذاشته است:
 - جلب موافقت کشورهای آسیای مرکزی برای همکاری با کمپانی‌های نفتی

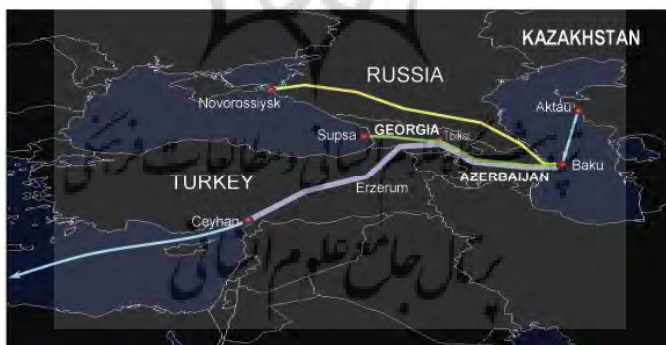
اعضای این اتحادیه به منظور سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های صنایع نفت و گاز کشورهای منطقه؛

- حمایت از شرکت‌های نفتی بین‌المللی برای همکاری با کشورهای آسیای مرکزی و انحصار ۳۲ درصد از حجم کلی سرمایه‌گذاری خارجی در بخش صنایع نفت و گاز منطقه توسط کشورهای عضو این اتحادیه؛

- تعامل با روسیه و تلاش برای جلب حمایت روس‌ها با هدف بهره‌برداری از نفوذ این کشور در میان کشورهای آسیای مرکزی برای تشویق آنان به صادرات گاز خود به اروپا؛

- تلاش برای تأمین امنیت انرژی این اتحادیه از طریق تنوع‌بخشیدن به مسیرهای انتقال انرژی کشورهای آسیای مرکزی به اروپا از مسیر شرق به غرب دریای خزر از جمله حمایت و سرمایه‌گذاری در احداث خط لوله باکو-تفلیس-جیحان^۱ (نقشه ۸) و خط لوله ترانس‌کاسپین^۲ و خط لوله ناپاکو برای انتقال بخش قابل توجهی از نفت و گاز کشورهای ترکمنستان، قزاقستان و جمهوری آذربایجان از مسیر ترکیه به اروپا، از مهم‌ترین راهبردهای اتحادیه اروپا به منظور تأمین امنیت انرژی خود در این منطقه از جهان است (Campaner & Yenikeeff, 2008: 14).

نقشه شماره (۸). مسیر خط لوله انتقال نفت باکو-تفلیس-جیحان



Source: (OECD/IEA, 2006).

1. Baku-Tbilisi-Ceyhan Pipeline (BTC)
2. Trans-Caspian Gas Pipeline (TCGP)

نتیجه‌گیری

هرچند که بحران در روابط روسیه و گرجستان در اوت ۲۰۰۸ و نیز دومین اجلاس کمیسیون اروپایی در زمینه چشم‌انداز راهبرد انرژی به‌همراه نشست سران این اتحادیه در کنفرانس امنیت انرژی و برنامه اقدام انرژی اروپا^۱ در نوامبر ۲۰۰۸ بر بهبود اوضاع تأکید می‌کرد، اما تاکنون یک وحدت رویه سیاسی امیدبخش در بین ۲۷ دولت عضو این اتحادیه که از طریق آن بتوانند با یک رویکرد واحد در خصوص چگونگی الگوهای واردات انرژی به اتخاذ تصمیم بپردازند، ایجاد نشده است و با وجود آن‌که این اتحادیه به‌عنوان بازیگری فراملی در عرصه سیاست بین‌الملل و در عرصه‌های گوناگون، مداخله کرده و ایفای نقش می‌کند، اما به دلیل تقدم منافع ملی و اعمال سیاست‌های یک‌جانبه کشورهای همچون انگلیس، آلمان و فرانسه بر سایر اعضای این اتحادیه، از حل بحران مذکور ناتوان هستند.

همچنین، هرچند که همه دول عضو اتحادیه اروپا در خصوص دسترسی آسان به منابع انرژی، تأمین امنیت عرضه انرژی و خطوط لوله انتقال انرژی، دسترسی به گاز فشرده مایع^۲ و مسیرهای امن و کم‌هزینه برای انتقال آن به بازارهای مصرفی خود، دغدغه مشترک داشته و تلاش می‌کنند تا از طریق سازمان‌ها و نهادهای فراملی همچون سازمان تجارت جهانی و نیز سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، رفتار تولیدکنندگان بزرگی همچون روسیه را تحت نظم مطلوب خود درآورده و از آن کشور بخواهند تا با ایفای نقشی متناسب با قوانین و مقررات بین‌المللی^۳ و پذیرش اصول و قوانین حاکم بر بازار آزاد و سرمایه‌گذاری‌های متقابل، این اتحادیه را یاری کنند؛ با این وصف، چالش امنیت انرژی، پاشنه آشیل و تهدیدی پایدار برای اعضای این اتحادیه تلقی شده و باقی خواهد ماند؛ چراکه در پیش‌گیری سیاست‌های دوگانه در ارتباط با کشورهای صادرکننده نفت، به‌خصوص در منطقه اوراسیا و حمایت از سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه ایالات متحده آمریکا و قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران و نیز اعمال تحریم‌های

1. EU Energy Security and Solidarity Action Plan
2. Liquefied Natural Gas (LNG)
3. International Rules of the Game

یک‌جانبه در بخش صنایع نفت و گاز این کشور و از جمله ممنوعیت فروش هرگونه تجهیزات و فناوری مورد استفاده در بخش پالایش، اکتشاف و تولید نفت و گاز طبیعی مایع به ایران، ممنوعیت هرگونه سرمایه‌گذاری جدید در صنایع نفت و گاز ایران و نیز ممنوعیت هرگونه خدمات تجاری، از جمله خودداری تضمین اعتبار صادرات و خدمات بیمه‌ای به شرکت‌های نفتی طرف قرارداد با ایران، نه تنها از مشکلات امنیت انرژی این اتحادیه نخواهد کاست، بلکه وابستگی به شرکت‌های نفت و گاز روسیه و نیز کشورهای منطقه اوراسیا که آنان نیز به نوبه خود تحت سلطه انحصاری شرکت‌های روسی می‌باشند، شرایط و اوضاع را برای تأمین امنیت انرژی کشورهای عضو این اتحادیه به مراتب پیچیده‌تر خواهد ساخت. نگاهی به بحران در روابط روسیه و گرجستان در منطقه قفقاز و نیز تجربه اوکراین و مقایسه آن با پیشینه همکاری‌های تجاری ایران و اروپا در بخش انرژی، حکایت از آن دارد که با عنایت به عمق استراتژیک، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران، هم از نظر حجم منابع انرژی سوخت‌های فسیلی (ذخایر گازی اثبات شده ۲۶۷۵ تریلیون متر مکعبی و یا ۱۵/۸ درصد کل ذخیره گاز جهان و نیز ۱۳۷/۶ میلیارد بشکه ذخایر شناخته شده نفت یا ۱۰/۳ درصد از کل ذخایر اثبات شده جهان) و هم از نظر قرار گرفتن در کانون ۷۵ درصد انرژی جهان و برخورداری از موقعیت ترانزیتی امن، بی‌نظیر و ممتاز، این کشور می‌تواند نقشی راهبردی را در تأمین امنیت انرژی کشورهای عضو اتحادیه اروپا در یک چشم‌انداز بلندمدت ایفا کند. بنابراین، حل بخش عمده‌ای از بحران انرژی اتحادیه اروپا، نه در گرو اعمال سیاست محصورسازی و حمایت از سیاست‌های مواجهه‌جویانه آمریکا برای تقابل با ایران، بلکه در گرو گسترش تعامل سازنده و همکاری‌های متقابل دوجانبه با عطف توجه به فهم منافع مشترک با توجه به مؤلفه‌های مذکور است.

منابع

- Alhajji, A.F (November 2007), "What is Energy Security? Definitions and Concepts", **Middle East Economic Survey**, No. 45.
- Bilgin, Mert (2009), "Geo Politic of European Natural Gas Demand: Supplies From Russia, Caspian and the Middle East", **Energy Policy**, Vol. 139.
- Blanchette, Stephen (2008), "A Hydrogen Economy and its Impact on the World as We Know it", **Energy Policy**, Vol. 136, Issue2.
- Campaner, N & Sh. Yenikayeff (2008), "The Kashagan Field: A Test Case for Kazakhstan's Governmance of its Oil and Gas Secto", Available at: <http://www.ifri.org/files/Energy/Kashaganbis.pdf>.
- Chichester, G (2006), "Security of Energy Supplies, Particularly Gas", Available at: <http://www.euoparl.eu.int/news>.
- Correlje, Aad and Van Derlinde Coby (2006), "Energy Supply Security and Geo-Politics: A European Perspective", **Energy Policy**, Vol. 34.
- Dorian, James P (et al) (2006), "Global Challenges in Energy", **Energy Policy**, Vol. 34.
- Dorian, James P (2006), "Central Asia: A Major Emerging Energy Player in the 21st Century", **Energy Policy**, Vol. 34.
- Energy Information Administration (EIA) (April 2002), "EU Energy Outlook to 2020", Available at: <http://www.eia.doe.gov/cabs/caspase.html>.
- Energy Information Administration (EIA) (April 2002), "Norway Energy Profile", Available at: <http://www.eia.doe.gov/cabs/caspase.html>.
- Energy Information Administration (EIA) (April 2002), "Iran Energy Profile", Available at: <http://www.eia.doe.gov/cabs/caspase.html>.
- Energy Information Administration (EIA) (March 2002), "Iran Energy Profile", Available at: www.eia.doe.gov/cabs/caspase.html.
- Estrada, Aurelia Mane (2006), "European Energy: Towards the Creation of the

- Geo-Energy Space”, Energy Policy, Vol. 34.
- Eurogas (2008), “Natural Gas Consumption in EU27 in 2007”, Available at: [http:// www.eurogas.org](http://www.eurogas.org) .accessed on May 22, 2009.
- European Commission (November 29, 2000), “Towards a European Strategy for Security of Energy Supply”, Green Paper.
- European Commission (March 8, 2006), “A European Strategy for Sustainable, Competitive and Secure Energy”, Green Paper.
- Favennec, Jean Pierre (2005), “Oil and Natural Gas Supply for Europe”, Elsevier, **Catalysis Today**, No.106.
- Finon, Dominique and Catherine Locatelli (2008), “Russian and European Gas Interdependence: Could Contractual Trad Channel Geopolitics?”, **Energy Policy**, Vol. 36.
- Hippel, David Von(et al) (2009), “Energy Security and Sustainability in Northeast Asia”, **Energy Policy**, Vol.37, Issue 6.
- Hughes, Larry (2009), “The Four R’S of Energy Security”, **Energy Policy**, Vol. 37, Issue 6.
- International Energy Agency (IEA) (2007), **International Energy Outlook 2006**, IEA/ OECD, Paris.
- International Energy Agency (IEA) (2008), “Development of Competitive Gas Trading in Continental Europe”, IEA/ OECD, Paris.
- International Energy Agency (IEA) (2010), “International Energy Outlook 2009”, IEA /OECD, Paris.
- International Energy Agency (IEA) (2010), “Natural Gas Market Review”, IEA/OECD, Paris.
- International Energy Agency (IEA) (2010), “Energy Markets and Security”, IEA/OECD, Paris.
- International Energy Agency (IEA) (2012), “Energy Markets and Security”, IEA/OECD, Paris.
- Kaczmariski, Marcian (2005), “The Policy of Russia Towards the European Union”, Centre for International Relations.
- Kaiser, Mark J and Allan Pulsipher (2007), “A Review of the Oil and Gas Sector in Kazakhstan”, **Energy Policy**, Vol . 35.
- Kruyt, Bert (et al) (2009), “ Indicators for Energy Security”, **Energy Policy**, Vol. 37, Issue 8.
- Lise, W, Hobs, B.F. and F Van Oostvoorn (2008), “Natural Gas corridors Between the EU and its Main Suppliers: Simulation Results with the

- Dynamic", Gastale Model, **Energy Policy**, Vol. 36, No. 6.
- LNG Special Reports (2002), **Oil & Gas Journal**, 12-19 Aug.
- Nuttall, William J and Devon L Manz (2008), "A New Energy Security Paradigm for the Twenty-First Century", **Technological Forecasting & Social Change**, Vol. 75, Issue 8.
- Steg, Linda (2008), "Promoting household Energy Conservation", **Energy Policy**, Vol. 36, Issue2.
- Stern, J.P (2002), **Security of European Natural Gas Supplies: The Impact of Import Dependence and Liberalization**, London: Royal Institute of Internal Affairs Sustainable Development Program.
- Stern, J.P (2005), **The Future of Russian Gas and Gazprom**, Oxford: Oxford Institute for Energy Studies.
- Stern, J.P (2006), "The Russian- Ukrainian Gas Crisis of January 2006", Oxford: Oxford Institute for Energy Studies Comment 0/106, January.
- Truscot, Peter (2009), **European Energy Security**, Royal United Institute for Defence and Security Studies, London: Routledge.
- Umbach, Frank (2009), "Global Energy Security and the Implications for the EU", **Energy Policy**, in press, corrected proof.
- Uropeian Union Commission (2008), "Second Strategic Energy's Review, Brussele, Directorate General for Energy and Transport", Available at: <http://ec.europa.eu>> accessed on May21, 2009.
- Weisser, Hellmuth (2008), "The Security of Gas Supply- a Critical Issue for Europe?", **Energy Policy**, Vol. 36, Issue 11.
- Yergin, D (2006), " Ensuring Energy Security", **Foreign Affairs**, March/April.
- Yoshihara, Toshi and James R Holmes (2008), "China's Energy- Driven Soft Power", **Orbis**, Vol .52, Issue 1.
- Youngs, Richard (2007), "Europe,s External Energy Policy: Between Geopolitics and the Market", **Centre for European Policy Studies**, November.
- Youngs, Richard (2009), **Energy Security: Europe's New Foreign Policy Challenge**. London: Routledge.